

در باره درگذشت آیت الله منتظری

با درگذشت آیت الله حسینعلی منتظری یکی از بلندپایه ترین مراجع تشیع، جنبش ضد دیکتاتوری مردم ایران یکی از چهره های شجاع و پشیمان موثر خود را از دست داد. اگر چه او یکی از بینانگذاران جمهوری اسلامی و از نظریه پردازان ولایت فقیه بود، اما با دیدن ظلم و فساد دستگاه حاکم، صدای اعتراض خود را در سخت ترین شرایط بلند کرد و بدل به یکی از مدافعان پیگیر و سازش ناپذیر آزادی ها و حقوق مردم شد. مخالفت سرسختانه او با جنایت بزرگ خمینی یعنی کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ که به بهای برکناری او از مقام جانشینی خمینی و طرد او از کل ساختار جمهوری اسلامی تمام شد فراموش نشدنی، و بدون شک درخشان ترین صفحه زندگی سیاسی آیت الله منتظری است.

موضع گیری و مبارزه قاطعانه منتظری علیه ظلم و استبداد و جنایات جمهوری اسلامی در شرایطی که چهره های اصلاح طلب هنوز هم نسبت به کشتار سال ۶۷ در زندان ها همچنان مهر سکوت بر لب زده اند، تفاوت شیوه های برخورد این دو به شعارهای ساختار شکنانه و نیز جنایات ولی فقیه (خامنه ای) شاخص هایی هستند که چهره سیاسی منتظری را از سایر اصلاح طلبان حکومتی متمایز می کند. به همین جهت درگذشت آیت الله منتظری فقدان بزرگی است، به ویژه در این لحظات، برای جنبش دمکراتیک مردم ایران که فقط با تداوم، گسترش و تعمیق مبارزه علیه استبداد دینی حاکم قابل جبران است.

جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک- واحد پاریس

۲۰ دسامبر ۲۰۰۹ برابر با ۲۹ آذر ۱۳۸۸

در همبستگی با 16 آذر روز مبارزه دانشجویان با استبداد و دفاع از آزادی

۱۶ آذر، روز دانشجو، یاد آور قتل بیرحمانه قندچی، بزرگ نیا و شریعت رضوی، سه دانشجوی معترض به فضای خفقان زده و استبدادی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. در چنین روزی بود که دانشجویان در دفاع از آزادی و علیه استبداد بپاخاستند و حاکمیت برآمده از کودتا با خشونت عریان به سرکوب آن پرداخت.

امروز نیز، رژیم جمهوری اسلامی بعد از رخداد کودتاگرانه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، با دستگیری گسترده و احضار دانشجویان به کمیته های انضباطی و تهدید و فشار به فعالان دانشجویی، پیشاپیش زمینه های سرکوب مراسم ۱۶ آذر را فراهم کرده و قصد دارد مانع برگزاری آن گردد.

طی شش دهه گذشته، با وجود تمهیدات سرکوبگرانه حکومت ها، دانشجویان همواره بزرگداشت چنین روزی را پاس داشته اند و در سیاه ترین شرایط خفقان بار هیچگاه از پای ننشسته اند. بدون شک، امروز که مردم در میدان رویارویی با دیکتاتوری و استبداد بمنظور پیشبرد دموکراسی و آزادی حضوری چشمگیر دارند، دانشجویان بیش از پیش به استقبال این روز می شتابند.

ضدیت و دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با دانشجویان دگراندیش و روز دانشجو، از همان فردای انقلاب آشکار بود. تعطیلی دانشگاه ها در سال ۱۳۵۹ تحت عنوان « انقلاب فرهنگی»، بارزترین نماد دشمنی حاکمیت با جنبش دانشجویی بود. از آن پس رژیم با برگزاری نماز جمعه در دانشگاه و تبدیل آن به مسجد و خاکسپاری کشته شدگان جنگ در دانشگاه و تبدیل آن به گورستان، همواره قصد داشته که این محل علم و دانش و تبادل اندیشه را به محیطی خرافی، مذهبی و گوش به فرمان بدل کند. آخرین نمونه آن، اظهارات ولی فقیه در دشمنی با علوم انسانی و جایگزینی آن با علوم اسلامی است.

اکنون، بعد از تحولات ۲۲ خرداد و حضور گسترده مردم در خیابان ها، شرایط مناسبی فراهم آمده است تا دانشجویان مبارز بتوانند در پیوند با مردم، جنبش اعتراضی را به مرحله بالاتری از رشد و اتحاد

ارتقاء دهند.

دانشجویان با طرح شعارهای "ساختار شکنانه" برای آزادی و دموکراسی، علیه حاکمیت دیکتاتوری و استبداد مذهبی جایگاهی ویژه در جنبش دموکراتیک مردم دارند. خواستهای برحق دانشجویان برای آزادی زندانیان سیاسی، بازگشت دانشجویان اخراجی و ستاره دار به محیط دانشگاه و رفع محدودیت از آنها، برچیدن حراست و کمیته های انضباطی و رسیدگی به پرونده جنایات ۱۸ تیر ۱۳۷۸، امروز خواست همه آزادیخواهان ایران است.

ما ضمن گرامیداشت ۱۶ آذر و بزرگداشت یاد همه جان باختگان جنبش دانشجویی، از برگزاری ۱۶ آذر و دادخواهی دانشجویان پشتیبانی و همه اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه تلاشگران جنبش دانشجویی را محکوم می کنیم.

جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک- واحد پاریس

۵ دسامبر ۲۰۰۹ برابر با ۱۴ آذر ۱۳۳۸

«انتخابات» ریاست جمهوری در ایران، غیر آزاد و ضد دموکراتیک است!

"انتخابات ریاست جمهوری" در ایران، انتخاباتی آزاد و دموکراتیک نیست. انتخابات دموکراتیک مستلزم وجود پیش شرط هایی چون فعالیت آزاد جامعه مدنی، انجمن ها، سازمان ها، آزادی مطبوعات، وجود رسانه های مستقل، فضای آزاد بحث، و غیره است. اما در "انتخابات" ایران هیچ یک از این پیش شرط ها وجود ندارند.

"انتخابات ریاست جمهوری" در ایران، انتخابی است از بین منصوبان

دستگاه حاکمه و طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، زیر نظر شورای نگهبانی است که اعضای آن، نیمی مستقیم و نیمی غیرمستقیم، از طرف ولی فقیه گمارده شده اند.

«انتخابات ریاست جمهوری» در ایران براساس قانون اساسی مبتنی بر تبعیض، آشکارا تبعیض آمیز است. بنا بر اصل ۱۱۵ این قانون، بیش از نیمی از جامعه که زنان باشند، از حق نامزدی برای این مقام محرومند. از سوی دیگر، باز بنا بر همین اصل، سایر اقلیت‌های مذهبی و هم‌کسانی که به هیچ دین و مذهبی باور ندارند، از حق نامزدی محروم اند. افزون براین، حتا آن دسته از معتقدان به نظام و قانون اساسی اسلامی که دیدگاه‌های متفاوتی دارند و صلاحیتشان پیش از این، بارها توسط همین شورای نگهبان تأیید شده است، از صحنه رقابت‌های انتخاباتی حذف شده‌اند! بدین ترتیب دست کم، نزدیک به دو سوم جمعیت ایران که واجد شرایط سنی برای نامزدی در انتخابات اند، از حق دموکراتیک و شهروندی خود محروم شده اند.

با این حال، رئیس‌جمهور اسلامی که تنها مقام اجرایی است که با رأی مستقیم مردم برگزیده می‌شود، در تعیین سیاست‌های اصلی کشور و اجرای آن‌ها نقش چندانی ندارد. صاحبان اصلی قدرت در این نظام، از قرار گرفتن در برابر رأی مستقیم مردم به شدت پرهیز می‌کنند. بدین ترتیب، ولایت فقیه و نهادهای منصوب او، که اهرم‌های اصلی قدرت را به دست گرفته‌اند، به هیچ‌رو، پاسخگو در برابر مردم نیستند.

اکنون در شرایطی که اصلاح‌طلبان حکومتی برای جلب آراء مردم و به دست گرفتن بخشی از قدرت، به دادن شعارهای مردم‌پسندی روی آورده‌اند، یادآوری دست کم دو نکته اهمیت اساسی دارد:

نخست اینکه، با توجه به ساختار این نظام و نقش «تدارکچی» ریاست جمهوری، تحقق این شعارها خارج از حیطه اختیارات آنان است. طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور که مقام دوم نظام است، «ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد». و اموری که به رهبری مربوط می‌شود، هم‌عرضه‌های اقتصادی، اجتماعی و نظامی را در بر می‌گیرد که طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی به تمامی در اختیار ولی فقیه گذاشته شده است! در تمامی کشورهای جهان، اعم از اینکه انتخابات دموکراتیک داشته باشند یا نه، در همه جا موضوع انتخاب، قدرتمندترین و بالاترین مقام آن کشور است که خواه آزادانه و خواه در نمایشی انتخاباتی به این مقام مرسند. ایران تنها کشور در جهان است که نفر دوم نظام (پس از

گذشتن از صافی و تأیید فرد اول نظام) به رأی مستقیم مردم گذاشته می‌شود!

دوم اینکه، این آقایان از صافی گذشته، مستقیم یا غیر مستقیم، در کلیه تبهکاری‌ها و جنایات سی سال گذشته رژیم اسلامی نقش داشته‌اند. میرحسین موسوی و آقای کروبی در دهه ۶۰ که سیاه‌ترین دوران حاکمیت اسلامگرایان در ایران است و ده‌ها هزار تن از بهترین فرزندان وطن قتل عام اعدام شدند، بالاترین مسئولیت‌های اجرایی و قانونگذاری را داشته‌اند. هردوی این آقایان با وجود شعارهایی که می‌دهند، هرگز در مورد این کشتارها و به ویژه کشتار هولناک زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷، سخنی نگفته‌اند. آنان به صراحت خود را مطیع ولایت فقیه و وفادار به قانون اساسی اسلامی می‌دانند! دربار سیاست‌های ماجراجویانه اتمی و سیاست جهانی و منطقه‌ای نیز، تمایز آشکاری با جریان حاکم ندارند.

موافقان شرکت در انتخابات، همچون گذشته، با پیش کشیدن انتخاب میان بد و تر، و جلوگیری از انتخاب مجدد احمدی نژاد، مردم را به مشارکت در این نمایش تکراری دعوت می‌کنند. اینکه مردم ایران خواهان این باشند که فشار وضعیت هولناک کنونی بر دوش آنان اندکی کمتر شود، اینکه در فضای اختناق کنونی روزه‌ای برای تنفس مردم گشوده شود، بسیار طبیعی و قابل فهم است. اما نباید فراموش کرد که اگر این منتخبان شورای نگهبان، برای جلب آراء مردم برخی از خواسته‌های آنان را نیمه نصفه، به شعار خود بدل کرده‌اند، ناشی از فضای جامعه و فشار و قدرت مردم و جامعه مدنی بوده است. این قدرت را نباید دست کم گرفت و نباید آن را در رقابت‌ها و دسته‌بندی‌های میان مافیای حاکم که اقلیت فاسدی بیش نیست، به هرز برد. مردم ایران خواست و توانایی آن را دارد که یک بار برای همیشه، از این دور باطل بد و بدتر بیرون آید و حق حاکمیت خود را بر کرسی بنشانند.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران با تأکید بر حق حاکمیت ملی و نفی نظام فقه‌پسندی، خود را در کنار کسانی می‌بیند که از شأن و حیثت انسان و انتخاب آزادانه سرنوشت خویش دفاع می‌کنند. نارضاییتی اکثریت عظیم مردم ایران از نظام اسلامی، چیزی نیست که از چشم حاکمان اسلامی پنهان مانده باشد. هراس از انتخابات آزاد و دست‌چین کردن نامزدها، اعتراف به همین واقعیت است. تنها نگرانی رژیم، پشت کردن مردم به نمایش‌های انتخاباتی و نشان دادن انزوای رژیم در درون کشور است.

به همین دلیل است که حاکمان اسلامی همواره می کوشند از حضور مردم در مراسم رأی‌گیری، چون ابزاری برای مشروعیت خود در انظار داخلی و بین‌المللی بهره‌جویند. بنابراین، عدم شرکت در انتخابات، نمایانگر مخالفت مردم با نظام اسلامی و گام مهمی است در راه مبارزه برای جمهوری ای آزاد، مستقل، دموکراتیک و لائیک در ایران.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران- پاریس

ژوئن ۲۰۰۹ - اردیبهشت ۱۳۸۷

بحث آزاد

دعوت عام

۵۷

بحث آزاد

۵۷

شرکت کنندگان : جمشید اسدی، مهران مصطفوی، پرویز نویدی، شیدان وثیق

شنبه ۲۸ فوریه ۲۰۰۹، ساعت ۱۹:۳۰

محل : پاریس ۱۱، آژکا